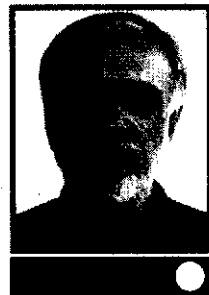


حسن قنصی



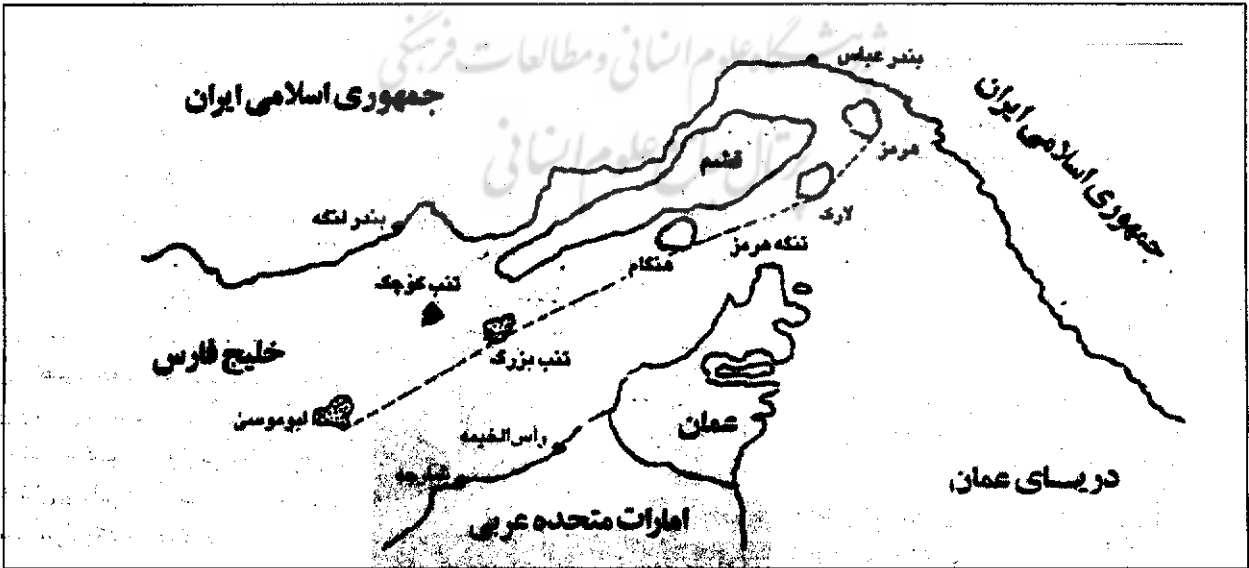
ایران ، امارات و ۳ جزیره استراتژیک در خلیج فارس

طمع و چشمداشت خارجی‌ها و اجانب قرار داشته است. این کشور که پهناورترین کشور منطقه بوده و سال‌ها ابرقدرت خاورمیانه و خلیج فارس بشمار می‌رفت به دلیل ضعف و ناتوانی حکومت‌های مرکزی و دور ماندن از غافله علم و تمدن جهانی، به تدریج کوچک شده و بخش‌های وسیعی از آن جدا و تجزیه شد. بطوری که در نهایت در مرزهای کنونی محصور گردیده و به یک کشور کوچک تبدیل گردید. ولی کوچک شدن ایران به منزله قطعیت یافتن مرزهای آن نیست و نمی‌توان اعلام کرد که هیچ یک از قدرت‌ها و یا کشورهای همسایه، چشمداشتی به خاک این سرزمین نداشته و مایل به جدا کردن بخش‌هایی از این سرزمین نیستند.

آخرین قطعه‌ای که از ایران جدا شده و به یک کشور تبدیل شد جزیره بحرین بود که ۳ دهه قبل در پی توافق ایران با سازمان ملل تجزیه گردید. جالب توجه است که با جدا شدن بحرین از ایران که سال‌ها بخشی از استان چهاردهم نامیده شده و در پارلمان ایران نیز دارای نماینده بود حاکمیت ۳ جزیره نیز پس از سال‌ها به ایران بازگردانده شد. اما هر چند جدایی بحرین از ایران با مخالفت چندی در خارج از مرزها مواجه نشد اما الحاق ۳ جزیره با واکنش‌های منفی بسیاری مواجه گردید بطوری که کشورهای تندرو عربی نظیر لیبی و عراق ادعاهایی را علیه تهران مطرح کرده و به جوسازی علیه ایران پرداختند. هم‌چنین صدام حسین در مصاحبه‌ای در آوریل ۱۹۸۰ یکی از

یکی از سؤال‌ها و مسائلی که همواره ذهن بسیاری را به خود مشغول داشته وضعیت ۳ جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی در خلیج فارس و اختلافات ایران و امارات متحده عربی بر سر حاکمیت این جزایر می‌باشد. بر خلاف تصویری که ممکن است برای عده‌ای در ایران به وجود آمده باشد که مساله ۳ جزیره مسکوت مانده و طرفین برنامه خاصی برای پی‌گیری ماجرا ندارند ولی باید به صراحت اعلام کرد که با وجود بی‌برنامگی و دنباله‌روی از حوادث و رویدادها که از سوی دستگاه دیپلماسی خارجی ایران شاهد هستیم طرف اماراتی به صورتی همه‌جانبه و سیستماتیک از موقعیت‌ها استفاده کرده و سعی می‌کند به بهترین صورت از کارت‌های خود بهره گرفته و خواسته‌هایش را مطرح نماید.

مساله ۳ جزیره که با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده موضوعی پیچیده و حساس است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت و بدون دلیل و منطقی به مساله سازی و جوسازی در باره آن پرداخت. زیرا بزرگ‌نمایی بدون دلیل و مدرک می‌تواند به ضرر ایران تمام شده و طرف اماراتی را محق جلوه دهد و یا این که این ذهنیت را برای مردم منطقه و جهان به وجود بیاورد که ادعاهای امارات منطبق بر واقعیت بوده و باید خواسته‌های این شیخ نشین برآورده گردد. ایران در یک منطقه حساس و استراتژیک قرار گرفته که همواره مورد



شرایط پایان جنگ با ایران را خروج بی قید و شرط ایران از ۳ جزیره عنوان کرده بود. ولی تغییری در شرایط به وجود نیامده و حاکمیت ایران بر ۳ جزیره تثبیت شد. در سال‌های اخیر خصوصاً در دوران جنگ تحمیلی که ایران به دلایل امنیتی و نظامی بر حضور خود در ابوموسی افزود و اقدام به استقرار موشک‌های کرم ابریشم در این جزیره استراتژیک که در مسیر تردد نفتکش‌های غول پیکر قرار دارد، نموده و تردد اتباع اماراتی را محدود کرد اختلافات میان دو کشور شدت گرفت تا حدی که امارات که قبلاً ادعاهایی را در باره جزیره ابوموسی مطرح می‌کرد خواستار باز پس گیری هر ۳ جزیره شد.

توسل به اتحادیه اروپا

امارات برای تحقق خواسته خود و تحت فشار قرار دادن ایران سعی کرد از حربه‌های مختلف بهره بگیرد. در آخرین اقدامی که امارات در این رابطه صورت داده به اتحادیه اروپا متوسل شده است.

تلاش ایران برای نزدیکی به اتحادیه اروپا و دیالوگ انتقادی که این اتحادیه در قبال تهران در پیش گرفته سبب گردیده امارات برای پیشبرد اهداف خود به اتحادیه اروپا متوسل شود. در این رابطه روزنامه عربی الشرق الاوسط در گزارشی اعلام کرد "کشورهای عرب خلیج فارس (شورای همکاری) با توجه به نقش آفرینی اروپا در پرونده‌های بین‌المللی ایران به دنبال کشاندن اروپا به ماجرای جزایر ایرانی هستند."

این روزنامه نوشت: اعضای شورای همکاری از اروپایی‌ها خواسته‌اند پیشنهاداتی را برای حل این مشکل به ایران ارائه دهند. از جمله پیشنهاداتی که قرار شده اروپایی‌ها به ایران بدهند عقد توافق نامه‌ای بین ایران و امارات است که بعد از انجام مذاکره بین دو طرف و یا واگذاری این مساله به دادگاه بین‌المللی لاهه صورت بگیرد. " این روزنامه در ادامه گزارش خود آورده بود: بروکسل در هفته‌های گذشته شاهد برگزاری نشست‌های کمیته مختلف برای مقدمه چینی نشست هیات وزرای اروپایی با شورای همکاری بوده که قرار بود این نشست در ۱۷ ماه مه در بروکسل برگزار شود."

توسل شورای همکاری و یا امارات به اتحادیه اروپا قبلاً نیز صورت گرفته بود. بطوری که این اتحادیه در سال ۱۹۹۲ نیز ضمن ابراز نگرانی از وخیم شدن روابط همسایگی امارات و ایران، دو کشور را به همکاری برای حل مسالمت آمیز اختلافشان فرا خوانده بود.

در آن مقطع جامعه اقتصادی اروپا با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده بود که اعضای این جامعه با آگاهی از اهمیت حفظ امنیت و ثبات در منطقه و با آگاهی از تمایل دو کشور به یافتن راه حل مسالمت آمیز، از این دو کشور با اصرار می‌خواهد برای حل اختلافاتشان براساس قوانین بین‌المللی و همزیستی مسالمت آمیز با یکدیگر همکاری کنند.

ادعاهای نسبت به خاک کشور دیگر که مساله‌ای عادی در جهان امروزی می‌باشد اگر دارای اساس محکم و منطقی باشد می‌تواند از نظر بین‌المللی نیز قابل قبول باشد ولی در صورتی که فاقد اصول منطقی باشد باعث تیره‌گی روابط بین کشورها می‌گردد.

این گونه اختلافات اغلب توسط معاهدات و موافقت نامه‌ها حل و فصل شده و جای خود را به صلح و آشتی می‌دهد ولی گاهی ممکن است شدت پیدا کرده و باعث تیره‌گی بیشتر روابط دو کشور گردد.

ضوابط بسیاری در باره ادعاهای ارضی کشوری نسبت به کشور دیگر مطرح می‌باشد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ضابطه‌ی تاریخی، ضابطه‌ی ارثی، ضابطه‌ی استراتژیکی، ضابطه‌ی اقتصادی، ضابطه‌ی نژادی، ضابطه‌ی همجواری و ضابطه‌ی جغرافیایی.

ممکن است ادعاهای امارات در باره ۳ جزیره با برخی از این ضوابط همخوانی داشته باشد ولی دلایل ایران قوی‌تر و منطقی‌تر هستند.

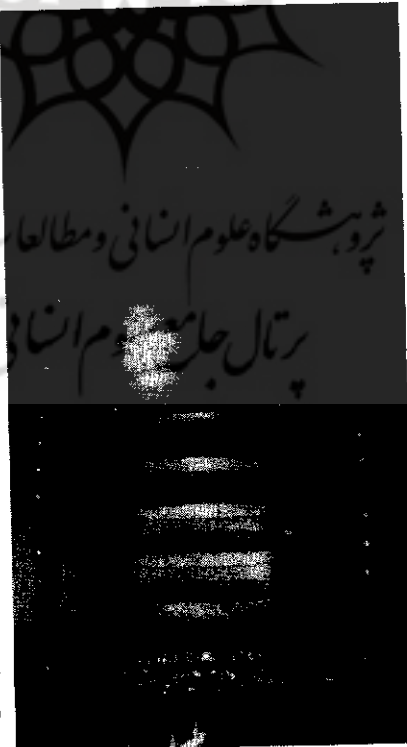
تلاش‌های امارات

امارات تلاش بسیاری را برای اثبات ادعاهای خود نموده و دست به فعالیت‌های گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی در این راستا زده است. این کشور توانسته تقریباً تمامی کشورهای عرب، اتحادیه عرب و شورای همکاری را با خود همراه و هم جهت نماید. بطوری که همواره در جلسات اتحادیه عرب و شورای همکاری که در سطوح مختلف برگزار می‌شود از ادعای امارات پشتیبانی می‌گردد. در این رابطه می‌توان به سخنان عصمت عبدالحمید دبیر کل پیشین اتحادیه عرب اشاره کرد که مدعی بود "همه کشورهای عرب از ادعای ارضی امارات حمایت می‌کنند."

این کشور که در تلاش است ماجرای ۳ جزیره را

به یک بحران و مشکل بین‌المللی علیه ایران تبدیل کند مواضعی ضد و نقیض داشته است. در این رابطه می‌توان به سخنان "سیف سعید ساعد" مدیر بخش امور خلیج فارس در وزارت خارجه امارات در مصاحبه با روزنامه الحیات اشاره کرد که حدود ۱۲ سال قبل صورت گرفت و طی آن وی اعلام کرد "امارات از هر وسیله ممکن برای بازگرداندن کامل حاکمیت خود بر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک استفاده خواهد کرد." وی گفت: "تشنجات فعلی را ایران به وجود آورده و این تهران است که باید در موضع تجدید نظر کند." ساعد می‌افزاید: ایران که ادعا می‌کند مبارکی در تایید موضع خود دارد باید آن را به جوامع بین‌المللی ارائه دهد.

چند هفته پس از آن، خبرگزاری‌ها از اسکندریه مصر گزارش دادند که مصر و امارات توافق کردند برای حل مشکل ابوموسی باید به جای راه حل نظامی به دیپلماسی اندیشید. این تصمیم در پی ملاقات و مذاکره شیخ زاید امیر امارات و حسنی مبارک رئیس جمهوری



مصر اتخاذ شد. در این رابطه مشاور رئیس جمهوری مصر نیز اعلام کرد قطعاً هیچ راه حل نظامی یا شبه نظامی برای مساله ابوموسی متصور نیست. در کنار اقداماتی که از سوی امارات برای بین المللی کردن مساله صورت می گرفت و این کشور از هر فرصتی در سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، سازمان بین المجالس، شورای همکاری و حتی مجمع عمومی سازمان ملل برای مطرح کردن خواسته خود استفاده می کرد مذاکراتی نیز با طرف ایرانی انجام می داد.

در سال ۱۹۹۲ پس از این که ۳ دور مذاکره هیات ایرانی به ریاست حائری فومنی با طرف اماراتی با شکست مواجه شد مقامات این کشور صراحتاً تهدید کردند که مساله را از طریق مجمع عمومی سازمان ملل و دادگاه بین المللی لاهه پی خواهند گرفت.

در این مذاکرات طرف اماراتی از حاکمیت ایران به عنوان اشغال نظامی یاد کرده و خواستار واگذاری سریع دو جزیره تنب و اعلام یک جدول زمانی برای خروج ایران از جزیره ابوموسی شده بود.

شکست مذاکرات سبب گردید امارات در بیانیه ای طرف ایرانی را مسئول عدم پیشرفت مذاکرات اعلام کند. در همین حال "ریچارد بوچر" سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، منطقه را به جعبه باروت تشبیه کرده و گفته بود: استفاده از زور قابل قبول نیست و دو کشور باید به صورت مسالمت آمیز در جهت این قبیل اختلافات منطقه ای بر آیند. ولی جالب توجه است که جانشین وزیر امور خارجه آمریکا خاطرنشان می کند که، آمریکا مخالف استفاده از زور برای حل این مشکل است و معتقدیم تاکید قلدرا نه ایران بر حق حاکمیت این کشور بر ابوموسی صریحاً مخالف اصول مسالمت جویی است.

سیاست امارات مبنی بر بین المللی کردن مساله ۳ جزیره در حقیقت از آخرین اقدامات این کشور می باشد بطوری که راشد عبدالله وزیر خارجه وقت امارات در سال ۱۹۹۴ در قاهره بار دیگر ایران را مقصر در عدم پیشرفت مذاکرات و ادامه بن بست دانسته و می گوید "امارات تصمیم دارد نخست به راههای تماس دو جانبه و ترغیب از سوی سازمان های بین المللی روی آورد ولی چنانچه این روش ها موثر واقع نشود دست آخر به دیوان بین المللی لاهه روی خواهد آورد."

البته در کنار مسایلی که امارات مطرح می کند اقداماتی نیز صورت می گیرد و سازمان ها و کشورهایی به همراهی با این کشور می پردازند در این راستا روسیه فراتر از دیگر جوامع عمل کرده و صراحتاً اعلام می دارد "مسکو هیچ مانعی بر سر راه طرح مساله ابوموسی در شورای امنیت ایجاد نخواهد کرد."

این موضع روسیه در شرایطی اعلام می شود که قبلاً در باره ارجاع موضوع ۳ جزیره به شورای امنیت سخنی گفته نشده بود. البته در این میان برخی رسانه ها و افراد نیز سعی در آشفته کردن اوضاع داشتند. هدف از این اقدامات همراهی با امارات علیه تهران بود. در این رابطه می توان به گزارشی از روزنامه سعودی الشرق الاوسط اشاره کرد که اعلام کرده بود "ایران در جزیره ابوموسی که در مسیر انتقال نفت به جهان قرار دارد ۸ سکوی پرتاب موشک اسکاد و کرم ابریشم مستقر کرده است." این روزنامه به نقل از منابع غربی نوشت: "تهران هم چنین قصد دارد تا سال ۱۹۹۳ میلادی ۸۰۰ فروند

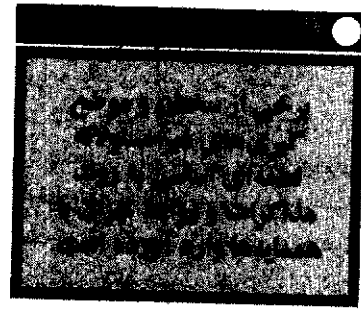
موشک اسکاد بی و ۲۰۰ فروند موشک کرم ابریشم در جزیره ابوموسی مستقر کند."

اختلافات در خلیج فارس

خلیج فارس از سال ها قبل مورد توجه قدرت های استعمارگر بوده و این قدرت ها سعی داشتند کنترل آن را در دست بگیرند. در همین راستا علاوه بر پرتغالی ها و انگلیسی ها، هلندی ها، فرانسویان و آلمانی ها نیز در صدد اعمال نفوذ در کشورهای حاشیه ای و ایجاد پایگاه در سواحل برآمدند که موفقیتی بنمست نیاوردند.

تا قبل از جنگ اول جهانی، با وجود این که سرزمین های عربی این منطقه تحت سلطه امپراتوری عثمانی بوده و بخشی از این امپراتوری بشمار می رفتند اما رابطه ی مطلوبی با انگلیس داشتند. در طول جنگ اول جهانی، انگلیسی ها با فرانسویان در

باره چگونگی تقسیم امپراتوری عثمانی پس از جنگ به توافق رسیدند ولی برای تحریک اعراب به آنها وعده استقلال دادند که در همین رابطه شریف حسین شریف مکه انقلاب عربی را با هدایت لورنس عربستان علیه عثمانی ها به راه انداخته. اما زمانی که پس



از پایان جنگ نوبت تقسیم غنایم رسید توجهی به خواسته اعراب نشد و انگلیسی ها و فرانسوی ها بر اساس توافق سایکس - پیکو که قبلاً صورت گرفته بود اقدام به تقسیم سرزمین های عربی کردند.

انگلیسی ها که کنترل کشورهای عربی خلیج فارس را در دست گرفتند با کشف نفت در این سرزمین ها، حضور خود را کسترده تر کردند ولی در نهایت در سال ۱۹۶۸ دولت کارگری انگلیس اعلام کرد به منظور صرفه جویی در امور مالی، نیروهای خود را تا سال ۱۹۷۱ از شرق سوئز (هندن و خلیج فارس) خارج کرده و پایگاههایش را تخلیه می کند.

در همین راستا اقدام به اعطای استقلال به شیخ نشین ها کرده و کویت، قطر، بحرین و امارات به استقلال دست یافتند. ولی استقلال این سرزمین ها سبب از بین رفتن اختلافات و ادعاهای ارضی میان آنها نشد. از آن زمان تاکنون اختلافات بین کشورهای ساحلی خلیج فارس سبب بروز درگیری و جنگ هایی میان طرفین شده است اما هنوز هم بسیاری از این اختلافات به قوت خود باقی است و قربانی می گیرد. اختلافات ایران و عراق بر سر شط العرب (اروند رود)، عراق و کویت بر سر تملیحات ارضی کویت و عراق با عربستان در باره دو منطقه بی طرفه قطر و عربستان، امارات با عمان و عربستان، امارات با ایران و عربستان و عمان با یمن از جمله مواردی است



با اشاره به رشد روز افزون نفوذ رقبای انگلیس به خصوص روسیه تزاری در خلیج فارس بر لزوم اشغال جزایر استراتژیک این منطقه از سوی نیروی دریایی انگلیس تاکید می‌شود. در همین رابطه انگلیسی‌ها جزایر را اشغال و ضمن پایین کشیدن پرچم ایران، مامورین گمرک را نیز اخراج می‌کنند. این اقدام با اعتراض تهران مواجه شده و مشیرالدوله نخست وزیر وقت ایران در مذاکراتی که با وزیر مختار انگلیس می‌کند در باره یافتن راه حلی مسالمت آمیز برای حل این مشکل به توافق می‌رسد.

اوج گیری انقلاب مشروطه و تلاطم سیاسی که گریبان ایران را گرفته بود این فرصت را در اختیار انگلیسی‌ها قرار می‌دهد تا در عوض حل مشکل، پرچم امیرنشین شارجه را در ابوموسی به اهتزاز در آورند. این وضعیت با وجود مخالفت‌ها و اعتراضات تهران تا سال ۱۹۷۱ ادامه می‌یابد تا این که زمان خروج انگلیسی‌ها از منطقه فرا می‌رسد. در این شرایط آنها باید تکلیف بحرین و ۳ جزیره را مشخص می‌کردند.

در سال ۱۹۶۸ وزارت امور خارجه ایران اعلامیه‌ای به این شرح در باره اوضاع منطقه صادر می‌کند که در آن مطالبات تهران را چنین عنوان کرده بود. متن اعلامیه به این شرح بود "ایران که مقتدرترین و وسیع‌ترین کشور ساحلی خلیج فارس است و سراسر قسمت شمالی این خلیج و دریای عمان قسمتی از خاک آن را تشکیل می‌دهد دارای منافع سیاسی و اقتصادی و ملاحظات امنیتی مهمی در این منطقه است و به تحولاتی که در خلیج فارس در شرف تکوین است با توجه و اهمیت خاص می‌نگرد.

دولت ایران مایل است این تحولات در جهتی باشد که مردم کشورها و امارات خلیج فارس، مردمی آزاد بوده، از لحاظ اقتصادی مرفه و از نظر سیاسی حاکم بر سرنوشت خود باشند. روی این اصل با وحدت واقعی کلیه جوامعی که وجود مشترک داشته و با انتخاب آزاد خود قصد اتحاد و نزدیک شدن به یکدیگر را داشته باشند موافق است ولی این اتحادیه نباید با تجاوز به سرزمین‌هایی که ایران در آن حقوق تاریخی دارد، همراه باشد."

در پی تلاش‌های ایران و توافق با انگلیس، کشور امارات متحده عربی تشکیل و در دوم دسامبر ۱۹۷۱ مورد شناسایی ایران قرار گرفت و در سال بعد در نوامبر ۱۹۷۲ نیز دو طرف روابط دیپلماتیک برقرار کردند.

در پی خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس، ناوگان دریایی ایران کنترل ۳ جزیره را در دست گرفته و پس از ۸۰ سال حاکمیت ایران در این جزایر اعمال می‌شود. اما اقدام تهران با واکنش‌هایی همراه بود بطوری که نماینده عراق در سازمان ملل در نامه‌ای که در سوم دسامبر ۱۹۷۱ تسلیم شورای امنیت کرد با عنوان "وضع خطرناک منطقه خلیج عربی" با تحریف نام خلیج فارس به تشریح اوضاع می‌پردازد. سپس ۵ کشور کویت، الجزایر، لیبی، یمن جنوبی و امارات به شورای امنیت شکایت کرده و از شورا می‌خواهند ایران را برای استقرار نیروهایش در ۳ جزیره و انگلستان را به خاطر عدم اجرای قرارداد و تعهداتش نسبت به شیخ نشین‌ها محکوم کند.

در جلسه شورای امنیت، طالب شیبب نماینده عراق، اقدام ایران را نقض آشکار منشور ملل متحد خوانده و اشغال جزایر را یک اقدام توسعه طلبانه از جانب ایران و نشانه تباہی ایران و انگلستان با آمریکا می‌نامد. وی تهدید کرد که اگر مساله به صورت مسالمت آمیز حل نشود کشورش به زور متوسل

که از سال‌ها قبل وجود داشته و هنوز هم فرمولی برای حل آنها ارائه نشده است و در صورت تشدید، هر یک از آنها می‌تواند منطقه را به آتش بکشد.

جنگ رژیم بعث عراق با ایران و کویت و یا درگیری‌های قطر و بحرین و عربستان و یمن در همین رابطه می‌باشد. در این سال‌ها فقط عمان و یمن، قطر و بحرین و کویت و عربستان توانستند به صورتی دوستانه به حل و فصل اختلافاتشان بپردازند اما بقیه کشورها موفقیتی بدست نیاوردند. مشکلی که بین ایران و امارات وجود دارد نیز مربوط به سال‌ها قبل می‌باشد و مساله جدیدی نیست که به تازگی اتفاق افتاده و یا مطرح شده باشد.

برای حل و فصل اختلافات معمولاً از ۴ شیوه استفاده می‌شود که عبارتند از:

۱- مذاکرات سیاسی میان طرفین که در رابطه با یمن و عمان در رابطه با خطوط مرزی و عربستان و کویت بر سو منطقه بی طرف

شاهد بودیم.

۲- جنگ و درگیری نظامی، که معمولاً راهگشا نبوده و نتوانسته مفید باشد. حمله عراق به ایران و کویت و اشغال کویت نشان داد که بهره گرفتن از نیروی نظامی نمی‌تواند مفید باشد.

۳- استفاده از مداخله‌گران منطقه‌ای یا بین‌المللی که در رابطه با اختلافات

قطر و بحرین بر سر جزیره فشت الدبیل واقع شد.

۴- بهره گرفتن از سازمان‌ها و ارگانهای بین‌المللی نظیر دادگاه لاهه و سازمان ملل که در برمی‌مواقع راهگشا بوده است.

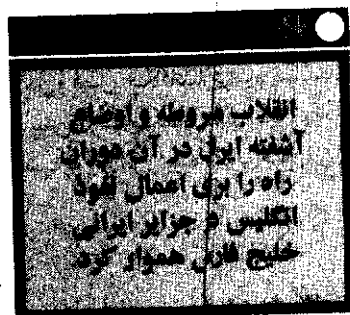
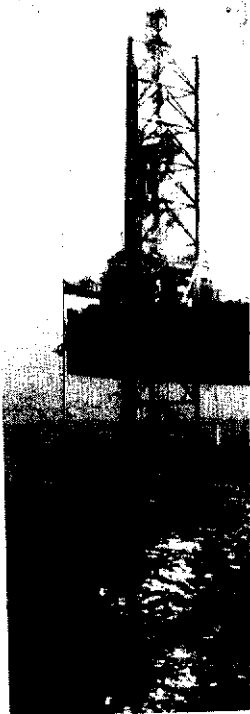
اختلاف بر سر ۳ جزیره

مساله ۳ جزیره، موضوع جدیدی نیست بلکه این مساله ریشه در سال‌ها قبل دارد که ایران از ضعف حکومت مرکزی رنج می‌برد.

اختلافات بر سر این جزایر میان ایران و انگلیس آغاز شد و پس از خروج انگلیس از خلیج فارس و اشکل گیری امارات متحده عربی به مشکلی میان تهران و ابوظبی تبدیل گردید.

با نگاهی به تاریخچه ۳ جزیره مشخص می‌شود که این جزایر همواره بخشی از ایران بوده و تحت کنترل بندرلنگه از توابع فارس قرار داشتند.

پس از کشمکش‌های بسیار میان ایران با اعراب منطقه، در سال ۱۹۰۴ ناوهای جنگی انگلیسی در سواحل این جزایر پهلو گرفته و اقدام به اشغال آنها کردند. در نامه‌ای که یکی از فرماندهان نیروی دریایی انگلیس به فرماندار انگلیسی هند می‌نویسد اهلب اشغال این جزایر مشخص می‌شود. در این نامه



خواهد شد. تهدید او در سال ۱۹۸۰ با حمله عراق به ایران جامعه عمل می‌پوشد. پس از سخنان نمایندگان کشورهای عربی معترض، نماینده ایران به تشریح مواضع تهران پرداخته و اعلام کرد "نمایندگان شورای امنیت توجه دارند که نمایندگان عراق، الجزایر، لیبی و یمن جنوبی در سخنان خود به وضع خطرناکی که اشغال جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک توسط ایران در منطقه به وجود آورده اشاره کردند. آنها این واقیعت را نایده گرفته‌اند که اعمال حاکمیت بر ابوموسی با موافقت و رضایت قبلی شارجه صورت گرفته است" وی می‌افزاید "در مورد ۲ جزیره تنب کوشیدیم راه حلی از طریق گفت و گو پیدا کنیم. لیکن کوشش‌ها به شکست انجامید. وقتی تلاش‌های ما به نتیجه نرسید گریزی برایمان نماند جز این که حاکمیت خود را به ۲ جزیره اعمال کنیم. نباید فراموش شود که این قلمرو بیگانه نبود. قلمرو ایران بود. همیشه قلمرو ایران بوده و همیشه در قلمرو ایران خواهد ماند."

پس از سخنان نماینده ایران، شورای امنیت بدون اشاره به خروج نیروهای ایرانی و یا تایید خواسته کشورهای معترض، توصیه می‌کند اختلافات در این زمینه از راه مذاکره و به وسیله شخص ثالثی حل و فصل شود.

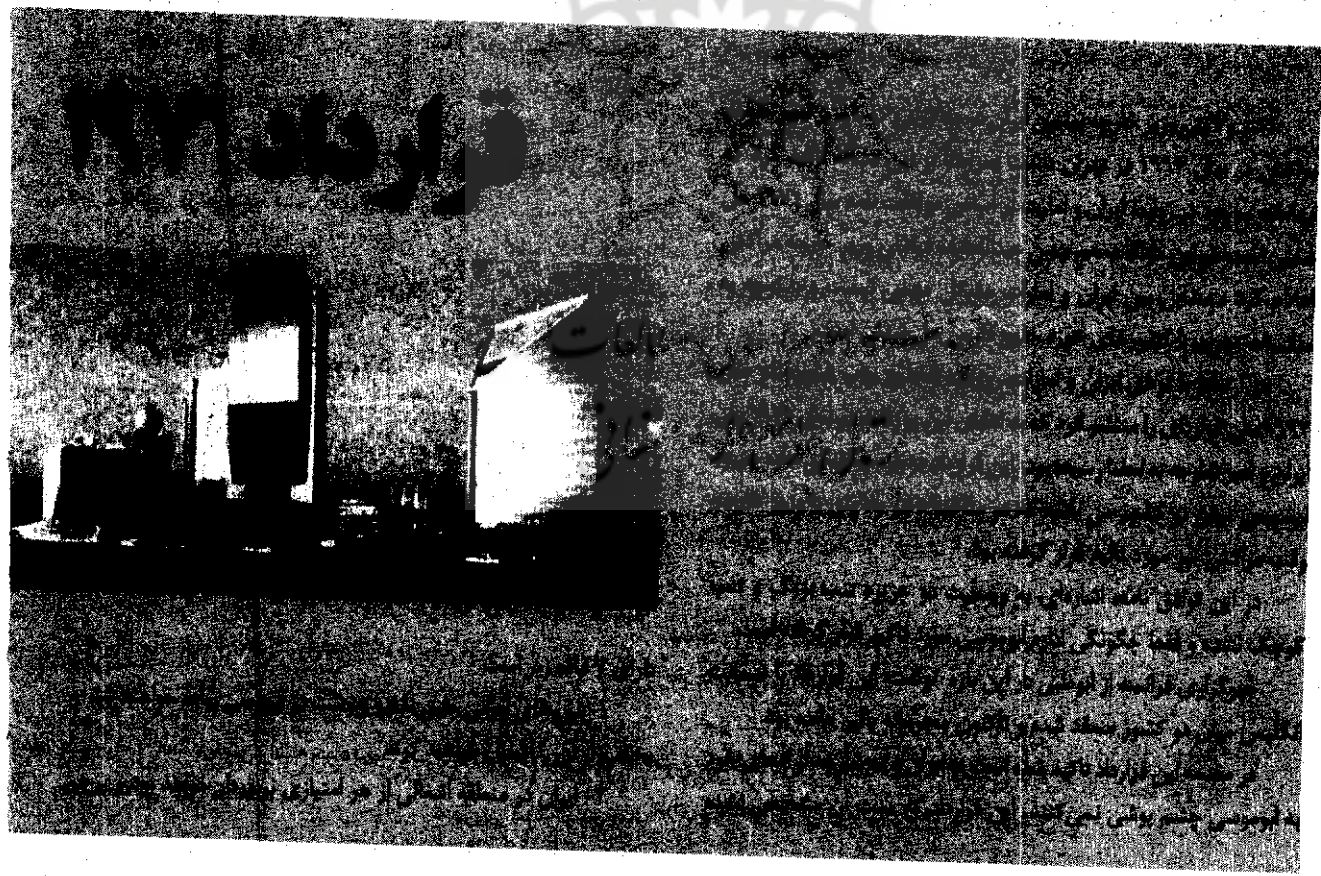
مشکل با جمهوری اسلامی

خروج انگلیس از خلیج فارس، افزایش نفوذ آمریکا را در پی داشت. آمریکا نیز برای حفظ سلطه خود سیاست ستون‌های دوقلو را پیش گرفت که شامل قدرت نظامی ایران و توان اقتصادی عربستان می‌شد. این وضعیت ادامه داشت تا این که انقلاب سبب تغییر حاکمیت در ایران

گردید. از این پس شرایط دگرگون شده و ایران که سال‌ها دوت و متحد آمریکا بشمار می‌رفت با پیش گرفتن سیاست نه شرقی - نه غبی در صف دشمنان و مخالفین واشنگتن قرار گرفت. در این حال ستورهای دوقلو آمریکا فرو پاشید و از بین رفت.

در این سال‌ها امارات به تدریج زمزمه‌های خود را در باره جزیره آغاز کرد تا این که با اعلام استقرار موشک‌های کرم ابریشم و اسکاد توسط ایران در ابوموسی و تهدیداتی که از سوی تهران مبنی بر بستن تگه هرمز و جلوگیری از تردد نفتکش‌ها صورت گرفت، امارات به صوبی جدی‌تر خواسته‌های خود را مطرح کرده و به تقویت موضع سیاسی خود پرداخت. ولی با وجود این که امارات در این سال‌ها با جدیت خواسته خود را پی می‌گرفت و از هر تریبون و حربه‌ای برای مطرح کردن این صاله استفاده می‌کرد ایران سکوت اختیار کرده و یا از حوادث دنباله‌روی زده است. با روی کار آمدن خاتمی و سیاستی که تهران برای توسعه روابط با همسایگان در پیش گرفت تحولاتی در روابط خارجی ایران به وجود آمد. بعوری که ایران که به دلیل سیاست آمرانه و پرخاشگرانه خود منزوی شده بود دست دوستی به سوی جهانیان از جمله همسایگان دراز کرده و رابطه با آنها را بهبود بخشید.

بهبود رابطه با جهانیان و همسایگان، ایران و امارات را وادار کرد تا مجدداً بر سر میز مذاکره نشسته و درصدد حل و فصل اختلافاتشان برآیند. سیاست همزیستی مسالمت آمیز که تهران پیش گرفت و دستاوردایی نظیر انعقاد قرارداد امنیتی با عربستان در پی داشت به نفع ایران بوده و سبب خروج این



خارجی بوده است. زیرا اگر آنها به کوچک‌ترین موفقیتی دست می‌یافتند با بوق و کرنا به اطلاع مردم رسانده و گوش فلک را کر می‌کردند.

یک مساله دیگر هم در این مقطع حائز اهمیت و یادآوری می‌باشد اینکه متأسفانه برخی از مسئولین ایرانی بدون در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی با استفاده از تریبون‌هایی نظیر نماز جمعه و یا میزگردهای فرمایشی تلویزیونی، اقدام به بیان و بازگو کردن مسایلی می‌کنند که عاری از واقعیت بوده و صرفاً مصرف داخلی دارند. بیان این مسایل هر چند ممکن است در داخل مفید تلقی شود ولی از آنجایی که در خارج از مرزها کارایی ندارند اثرات منفی برجای گذارده و در دراز مدت می‌توانند مشکل آفرین شوند.

عدم برخورد صریح و شفاف با مردم که نشانه بی‌توجهی به افکار عمومی و خواسته جامعه می‌باشد تاکنون لطمه‌ی بسیاری را به کشور وارد کرده ولی از آنجا که سیستم اداره دستگاه دیپلماسی خارجی و سفارتخانه‌ها، بسته و محدود کننده می‌باشد و حاضر به اطلاع رسانی به افکار عمومی نیستند نمی‌توان انتظار تحول و پیشرفت را از این سیستم داشت زیرا در تفکر ایلی و قبیله‌ای که با تفکر ملی و مصالح ملی مغایرت دارد افکار عمومی و خواسته مردم از اهمیت برخوردار نیستند.

لذا ایران اگر درصدد است در پرونده ۳ جزیره به بلای خزر دچار نشود باید مسایل را صادقانه با مردم در میان گذاشته و به تشریح موقعیت طرفین بپردازد تا مردم نیز در جریان مسایل قرار گرفته و خود را برای مقابله با توطئه‌ها و تهدیدات آماده کنند. در غیر این صورت موفقیتی حاصل نشده و امارات قادر خواهد بود خواسته‌های خود را گام به گام محقق گرداند.

کشور از انزوا گردید. ایران که خردورزی سیاسی را پیش گرفته و سومر قنار قاعده مند را طرد کرده بود توانست به زودی جایگاه خود را در منطقه بدست بیاورد ولی به مرور زمان تجربه نشان داد که با دخالت‌هایی که در مسایل بین‌المللی می‌شود و ضعف و ناتوانی دستگاه عریض و طویل دیپلماسی خارجی نمی‌توان چندان به فعال شدن این دستگاه امیدوار بود.

دستگاه عریض و طویل دیپلماسی خارجی که بنا به دلایلی از اطلاع رسانی شفاف در باره مسایلی نظیر وضعیت ۳ جزیره و خزر خودداری می‌کند متأسفانه نشان داده که برای تحقق خواسته‌های تهران نمی‌توان امیدچندانی به این مجموعه بست. لذا این ترس وجود دارد بلایی که در خزر بر سر ایران آمد و یا مشابه مشکلاتی که در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای ایجاد شده در باره ۳ جزیره هم در موضعی ضعیف و غیر قابل دفاع قرار گرفته و همه چیز را از دست بدهیم که در این صورت با ترکمن چای یا گلستان دیگری مواجه خواهیم شد.

ایران بارها بر این مساله پافشاری کرده که هیچ پیش شرطی را برای مذاکره با امارات نمی‌پذیرد. ولی سؤال این است حال که امارات جبهه‌ای فراگیر از اعراب، آمریکا، روسیه، اتحادیه عرب و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را برای پیشبرد اهداف خود ایجاد کرده و سیاستمداران و رسانه‌های گروهی را نیز بکار گرفته، تهران برای اثبات حقانیت خود دست به چه کارهایی زده است؟

به نظر می‌رسد یکی از دلایل سکوت تهران در قبال ماجرای ۳ جزیره و دنباله‌روی از تبلیغات و فعالیت‌های امارات، خالی بودن دست دستگاه دیپلماسی

